

النَّصْلُ الْإِسْلَامِيُّ

دشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۵۴ - جادی ۱۰۰ - ۱۴

۲۸ آوریل ۱۹۷۰ - شماره ۱۵۱ - سال اول

مُسْتَقْبَلُ الْأَيَّلَى نَسْتَعْبِطُ الْقَوْلَيْنَ الْمُتَكَبَّرَيْنَ

صادرات نفت ایران روزانه به ۱/۳۵ میلیون بشکه

کاهش یافت

پیام مهمنامه
امام
به رئیس
جمهور
استعفا کرد

در صفحه ۱۲



برای بین پاسداران وارش در مقاطع مخصوص شده تکه اندیمه دارد.

ساز پاسداران انقلاب به بنارس مکتبی نظامی و انتشارهای و پیارهایان داخل شهر طبلوکسری خواهیم کرد. بادگان آنهاش وارد پنهانی کنارش را تراویح آمد.

فاسیون های تبریز هوانی اکثر معاشرهای شهر مطلع و

سازمانی آنست که دوست از سر

مشهود کرد. شرکت در زیر

شده است و هنرمند و فعال است.

پاسداران اینقدر مطلع شدند و

همه اینها برخوبی شدند.

پاسداران همین گزارش کنترل

پسندیدند. پسندیدند.



مشکل اینکه انسانی است دادنندگا کار و درستگاری او مسائل را رعایت نمایند و انتقاد اسلامی روش است و اینهم روش است که نسبت به مسائل اجتماعی درک خوبی دارد و در بعضی از مسائل اجتماعی که در محل حکم خبرگان پیش ساخته جنین سپاه مردم میگیرد که هم اسان مادی و موادی هستند و هم تا حدی از تعلیمات بروخواهند. اما بر مصداق آن قول مشهور حضرت علی (ع) و مخدوم طولانی که پس از انتقال از انسانی بدست اوردهم حکم فانیان را در مورد مکه مسجد مینهادند این دور از مردم و اختلاط است اندیوارم حد او نیز معرفی شده مهدی من بن مصطفی تر و فاطمه را باشد و مخلوق بر

تائن سخن میگوید

مارکیت های این الوف و مادرات برسان فرست طلب
وساکنی ها انتاده است که همه اینها گروه مولف و متعدد
درست گردیده و معرفت دارند که سازمان مکن دنیا اینها
برو و نکار است و این سه اسماه را برای خانه های
مردم درست کرد که بتوانند با مسکونی های پردازش
آدم دیسی مردم سلیمان را زیرب بدهند بارها نذکر دارد
آخرین دندانی که داشتم دردهی بود نام نده کنید
که بنی شتر و بکان این از درجهان یکی از علمیان بالاسان و
در آنچه اعطا و بیان ارجمند اعطا هم و میان حرب
دیگران هم حصره داشتند و اخلاصی می خواستند
او یک طرف و کوشش و داداشان خلو از طرف دیگر بدهد سده
بود و آقای حسنی مدار احلاط درست در احتصار کوش
و داداشان فرازگرد بود. این نذکرها ز او دادم که جرا
و در اینجا بخوبی حال که میں دیگران را می خواستم
انتاده املا دنکرها را نکرد و چه بدهم ساقعی ای که
برای حقوق می خواستم کارگردان و پسر اعطا نمود. —
ساقعی (آن که در پس هست) سلامتند جرا طرف اینها
نمی آمد و باید آنها که حد اسلام و نکره کاهی در میان
مردم بدارند که ام اینظر دیسی با مردم مخالفند و هم از
نظر سایر ای مذاہم مارکیت چه نظر تغیر امیری
پست به طبع و مین دارد که بمعوان و بین اینها مادر
میگفت حال اکر سی خواهی باید باشی اولاً از این طرف دیگران
میان و بوضوح دادم که راضی سوجه شندی که اینها از مو
استفاده میگفتند و اینها هرگز میتوانند نمک در ملا
علاند باشد در حرجور حجم گفت جرا خودم می دام که
از من سه اسماه میگفتند گفتم می جرا و لسان نمی کنی
کفت نمی توام با محابا دلم می خواهد آنها را نکنم
ام آخرين ديدار مابعد.

س- آماش طرح بست و نش ماده ای کروچه های
مونله و با طرح نش ماده ای حرب دمکرات را دیده اند و آما
ش طرح بست و نش ماده ای که خواهد بود

در آخرين ملاقاتم با عزالدين
حسيني به او گفتم حال که
بيں دمکرات و بيچه اختلاف
افتاده اقلًا دمکراتها يك
وجهه' على دارند و بيشتر
اعضای آن که در ياشين
هستند مسلمانند حال اکر
نسخواهيد با ملت ياشيند
لاؤل با حزب دمکرات ياش
و جرا بطرف آئيه اي رفته
اخي که قد اسلامند و تکه
گاهي در بين مردم ندارند
که هم از نظر ديسي با مردم
مخالفند و هم از نظر سياسي
راستی متوجه شدی که اينها
از تو سو استفاده مکنند
در حضور حجع گفت جرا
خودم میدانم که از من
سو استفاده مکنند !!

عز الدین حسینی بقیه از شماره قبل

س- رابطه شا با عزالدین حسی هنل اراغلاب و در کوران انقلاب چکونه بود و بعد از انقلاب در آخرين

بعد از انقلاب مودم حق

بر تینوایان نشست در آن داشته باشد و آن‌زیر را ممکن است که فریدن از مادرانش حداً نکند و هر آن‌ها را که به این مقطع مرور میکردند، دیگناتوری و احیای است مادری که از وظیله مادر بودند در غالی فریدن از خود داری ورزد، در والع نشست ضمیم خود و در زندگی از خود بزده است. باید برای این چشم مادران، حقوق و شواطیه سناه و دور از احیار غواص آورد و بنوایند نشست ضمیم خود را در شرط‌آفرینی می‌نمایند. اگر زنی به احیار نشست ضمیم خود را در بیرون فروزد و مادری، گنار نگذارد، باید گفت که از روی احیار به این کار دست زده است. رُز که از روی نثار کار کند، در آغاز آزاد نشست و مجوز شده است که سه علت نیاز، وظیف اعلم خود را ناداده بگذارد، نهاده باشد. اما

ی که باید حرج خود چذر تعین شده و دیگر رد نمی‌شود این طرز محرور با مفهوم ستم متعاقب پژوهشی عالمانه محدود اول آنکه مفهوم ستم متعاقب نهایاً محدود به مدلات اقتصادی است پس از ستم اقتصادی ستم ملی مطرب فرهنگستان موجه شتان، تحریرشده بود در ذکر شنای خسارتی داشتند در مورد اداره مطباطشان این اولین مسم است و بعد در دوره اقتصاد هم این روش است که مفهوم ستم دیده اند که دستگاه اقتصادی ایران را در ذکر ادامه ایجاد کنی از خسارتی ایجاد کنند و پسروز پیش از این روش در ذکر شنای حرج شدنه اسمه روسن است ملی اینکه از دست این حکومت ستم دیده اداد جواب از همه است از این حکومت هیچ چیز نمی‌ندیده دیده اند، این مهم است از این حکومت هیچ چیز نمی‌ندیده این که خوبی هم نداده اند زیرا این حکومت باید هم برای قاع سمهای ملی هم سمهای مذهبی هم سمهای اقتصادی و هم سمهای داخلی مطباطه که در سراسر ایران است ستم انتشارات طبقی، کارهای سنتی انجام دهد نهایاً آنکه ستم نگذاره این جواب مردم نیست. این امراد به حکمان آنای سپی صدر وارد است.

توجه به این نادعه که بن زن و مود در هر امری اخلاقی وجود ندارد، آزاد بیست.
حبله (در هر امری) دروغ تزیی است برای زن و همه شرایط مماس و صور را که ندانند تاز دارند، در هم سینکنه، خرابی که زن باید در از مرد، طالق طبیعتش وجود آورد.
برآمیز زن و مود در به دوش گشیدن بار سینکن زندگی در حالتی که خودن بازدارانست، ظلم و می عدالتی است ... برآمیز آنها در رومندانه و حمل حقی در خرابی که او بازدار است، ظلم، می عدالتی است ... برآمیز زن و مود در گارهای الوده به رسانی این لطفه سرمند و زبانگی او را از میں سپرد و این خود ظلم و می عدالتی است. حتی اگر هر زن مطابق با برخانه شخص، علم داده شود که دست به کاری زن که مسلط باشد است و ناشد، ظلم و می عدالتی است.
بن زن و مرد از نظر انسان هیچ گونه فرقی نیست و نیاند زن و مرد را محصور کرده که علیرغم مسلمان از زواج کنند و یا بدون محاکمه عادلانه از یکدیگر ملاحق نگیرند. باید در هر صورت می آنها توافق ناشد. حتی زن برای گرفتن ظلاق باید موافق کند و مود می ازیز و می منسنه نیست.

اطلاعیہ کانوں اسلامی شعبہ مفتاح

نامه فلم (عالیم اسوان) سکان: خلایان دکتر شرمی
السلحداری دسیز از طرفت پاپن ترا ر حسنی از انداد -
مولو قدوکاست. کانون اسلامی تبید شد.
زمان: مکتبه ۲/۷/۵۶/۲۰۱۰ تینی مر هنری ساه بادل
الملات اسلامی سعدت. ۴ ساعت ۱۱/۲/۵۹-۱۰/۱۵

مردم تذارید که هم از نظر دینی با مردم مخالفند و هم از نظر سیاسی که مذاہم مارکسیست جه نظر حقوق انسانی بست به غلبت و دین دارد که عموان و پیش از آنها ساد میکند حال اگر سی وحایی باطلت باشی افلاسا حرث مکرات باشی و موضع تذارید که راضی موجه شندی که اینها از تو اسفاده میکنند و اینها هرگز میتوانند میکنند مرغ ملا علماً فائد میکنند درخواست خوب گفت جزا خودم می دام که از من مو اسفاده میکنند گفتم بس چرا و لشان نمی کنی گفت سی و نهان باحال دلم سی خواهد آیدارا رها مکنم

س- آبا شما طرح بست و شن ماده ای گروههای مختلف و پالامیر شن مادهای حیث دیگر را دردیده اید و آسا

بعد از انقلاب مردم حق
دارند که به بنی صدر امیدوار
باشند . پیش از آمدن بنی-
صدر وضع حقیقتاً "بلشو
بود اما با آمدن بنی صدر
مرد متعهد ، ایشان هست
که کم کم نیروها کانالیزه
شود و از تشتت و تفرق آراء
و تعدد مراکز تصمیم گیری
حلوگیری گردد که بقیناً
اگر اینطور شود با یک اکر
دیگر که آقای بنی صدر نهاده
برآکاهیهای خودشان تکید
نکنند میشود امید پیدا
کرد که این انقلاب راه
درست خود را پیدا کرده

چ- در مرور گفت اجرای خود مختاری در ایران چند
ملیتی من نظر خودم را با رها شفاهی و کنک و عرضه
گردام و درگذشت حکومت اسلامی که بحث ارکلات شده باز
هم روی این مطلب نشکه کردم و عموار آن هر یوگ در طرح دیگری
که اراده نمود از رظر من نیست اند صد و سه دلخواه مسایی
برای نام افراد ملت ایران نام نهاد و نیم و ناد مانع
پسرفت مقول و مسلطی زندگی مردم در ایران باید بایران
به سار طرح چه ازطرف دولت و چه ازطرف گروههای
 مختلف توجیه نداشتم

بن- شما حتما در عرویدن ماه گذشته که هیئت و مردم
دولت به ریاست مرحوم آستانه الله طباطبائی به سند
آنند هر اهالی ایمان بی صدر و دکتر بهمنی و رساحانی
بودند و شما هم حتماً این آفای بی صدر حسالی داشتند
ایمان را جوکه باشید و فکر مکنید عملکرد ایمان بسیار
استخواب ندن ایمان به ریاست جمهوری با این شوه بحث
آزاد چشمیده باید میگذرد و حالا سخنوارهایی که در گردشان
دانش چکونیم پی بینید.

چ- چه در اینجا آفای بی صدر را بدید و هم در
مجلس خواهان ، سفارات و خوشبختانهای
گویاکن است ، تتحمیم بعدهمی آسان است و تتحمیم بعضی

کاهی دربین مردم ندارند
که هم از نظر دینی با مردم
مخالفند و هم از نظر سیاسی
راسی موضعه شدی که ایشان
از تو سو استفاده میکنند
در حضور جمع گفت چرا
خودم میدام که از من
استفاده میکنند!

سال ۱۴ - شماره ۲

سـ رـ اـ بـطـ شـاـ مـاـ عـالـدـنـ حـسـيـ حـسـيـ قـلـ اـ بـ اـ سـ

درـ کـوـرـانـ اـنـدـلـ حـکـوـمـ بـودـ وـعـدـ اـنـدـلـ دـارـ

سـلـاـقـهـاـشـ کـاـ نـاهـمـ دـاشـتـ اـخـلـافـ سـطـهـاـنـ بـرـ

بـودـ

چـ اـولـنـ آـشـانـیـ ذـهـنـ بـنـ مـاـآـفـیـ حـسـیـ

مـشـوـدـ بـحـوـرـوـسـهـاـهـ ۲۴۶ـ ۲۷ـ اـنـ مـوـعـدـ مـلـاـعـوـشـانـ درـ کـرـ

کـ عـنـوانـ رـهـنـیـ مـقـمـ دـاشـتـ اـنـتـرـ آـنـهاـ عـوـلـ دـ

بـودـ وـهـرـجـهـهـ مـکـارـ سـاـهـنـهـ رـاـ هـنـارـ سـاـوـاـکـ اـنـدـامـ

راـ اـلـهـیـ مـنـ نـدـارـ مـیـ دـبـدـ دـرـیـ اـرـیـ سـالـاـطـوـرـ

سـهـنـگـهـدـ وـهـ مـهـرـ سـارـ کـرـدـسـانـ فـرـسـتـ بـوـدـنـ نـاهـمـ

اـنـهـ کـنـدـ وـلـعـنـ مـنـ سـاـلـهـانـیـ بـایـدـ؛ لـامـهـ

کـسـتـ بـوـدـ وـهـاـشـ وـهـاـشـ کـرـیـدـ رـوـحـ

هـرـاـنـجـهـ رـاـ کـهـ بـرـایـ سـفـرـدـمـ اـرـیـ اـسـانـلـمـ بـودـ

سـکـرـفـنـدـ سـاـ آـنـکـ مـکـارـ بـوـلـهـ بـدـرـخـامـ مـرـحـومـ رـحـ

آـفـاـقـ مـهـنـدـیـ کـ اـسـادـ دـاشـتـکـامـدـ خـرـابـیـ کـ تـحـ

مـهـبـادـ سـامـ عـزـلـانـ حـسـیـ اـنـ طـبـرـانـ اـسـاـ کـدـ

وـنـ درـبـارـهـ فـلـانـ جـرـهـائـ شـتـهـ اـمـ کـمـ طـالـبـ اـرـ

سـارـ کـارـیـتـ اـنـ آـشـانـیـ ذـهـنـ رـاـ اـشـانـ دـاشـتـ

در نشانی مزبور مهدی در پیش از تاریخ سری
بود و بگوای میرزا میرزا در میل آن موحوم آشنازی
پسند کردند مجموعاً خلیل باشیان خلائقندند زیرا
که نظام روسی داشت یعنی امام حسین بود و قریباً از
داستان ولی با اصحاب بالام جمیعیت دیگر تفاوت نداشت
داستان امام حسین که در حقه عربی که کنم
آن سی هیصد و مائو که نگذشت حیرت شنید جزو
نشانهای دوریار چیزی نبود اما آغازی حسینی از اطراف
اظلاع پیدا کردند فقط در حقه عربی برای شاه دعا می‌
خورد که امنیت از داد و انتشار دیگرها مخالفت باشد
حقیقت باید گفت این نکته ها و اعتمادهای دارند اواز
پست تبریز معاوک مردم عربی شده بودند از این
حروخت بودم که این فرد با اینها مخالفت نکند و
از حکمه ملاحتی بود که چیزی بلطف بود در کردی مثل
که میگویند «در روانی که ملاحتی خرسوی میگذرد»
چون کم از داشتم ملاجی انسانهای که چیزی ملد نداشت
حسینی در دیدن آین عده که بود می‌باشد لفظ و اتفاق
داستان الله بودند افرادی که درین ملاحت
بودند وار او بالامانه و صمیم و قاطعه نبودند ولی
داستان امام حسین میگذرد اما او با وجوده
— روسی نام امام حسین نبودند اما او با وجوده
ایام حسین بود و حکم را شاه داشت و در این
بود و درین اتفاقی میگذرد که ایلی لری را داشت چون طایله باد
محمد مسکنده در گردش کاهی بیست به بیست غلقت
استهایها بیمه و مذکورانی میگردند از جمله راجع بهم
که در مطلع این میگذرد ایلی لری نسل امام حسین برای میهم
اصفهانی شدم و اصرار کرم که در کنند ولی ناجی
اسندهای ایلی لری قابل نویجه بود چون فردی ندادست
نه کند کنند بالا بگذارند از انقلاب دیدند که در دست ایر
های سمه رنگ از گوههای مارکیست مصادق و صمیم

